

در وصف ماهنامه‌ی حافظ

و گریز به مفاخر فرهنگی بیهق

به مناسبت دو سال نشر منظم ماهنامه‌ی حافظ و در دسرهای ناشی از آن، اسفند ۱۳۸۴

ز ماهنامه‌ی حافظ مرا بسی سخن است
ز ماهنامه‌ی حافظ چه گویمت که کنون
چه ماهنامه که هر باب، بابی از جنت
چه ماهنامه که الحق یکی گلستان است
چه ماهنامه که با انتحال، بیگانه است
سخنوران وطن، زین جریده زنده شدند
برای عزت ایران، بهین کلید نجات
برای کاتب و منشی‌ست هم‌چو غنچه و گل
خوش آن سخنور شیرین‌سخن که شعر ترش
بر این جریده بسیار آفرین شاید
ولی چه سود که بعد از دو سال نشر مدام
به خون دل دهم این نامه نشر و از پی آن
که از شمانت دشمن، گه از شکایت دوست
ز بیم شحنه قلم در کفم حیاری ماند
به‌جان و مالم اگر می‌رسد زیان، غم نیست
مرا مباد که حافظ رود چنین بر باد
در این خیال بسی اشک ریختم که رسید
رفیق من که به خلق نکوی و خلق حسن
مروّجی که کنون در فنون فضل و هنر
رسید تحفه از اویم کتاب **تذکره‌بی**
عزیز مصر، قمیصی به پیر کنعان داد
مرا شمیم محبت ز کوی یار رسید
رسید **تذکره‌ی شاعران بیهق** و کرد
شدم ز نشئه‌ی اشعار خوش چنان سرمست
گزیده تذکره از ملک «بیهق»ی که به حق
همه مائر و آثار نغز بیهقیان
ز سبزووار، سخنور بسی به تیغ قلم
بین به شاعر استاد: **خواجه اوحد** راد
بود به ملک غزل، گر **امیرشاهی**، شاه
ز شعر **هادی اسرار**، سرّ حق پیداست
ز **افسر** است و **ضیایی** بسی سروده‌ی نغز
ز **خاندان امین** بین: **امین** و **ابن امین**
بین **چو ابر بهاران**، **نظام** **درباران**
سپهر بین و **سپس باقر عربشاهی**
امین! ترا به خدا باز هم قصیده بخوان

که این جریده از آن شما، نه زان من است
چو شعر حافظ شیراز، حافظ وطن است
چه ماهنامه که هر فصل، فصل نسترن است
نه نوگلی که همین چند روزه در چمن است
چه ماهنامه که با ابتکار، مقترن است
همیشه مرد سخن‌سنج، زنده از سخن است
به رزم خصم وطن، قهرمان صف‌شکن است
برای شاعر و نقاد، یاس و یاسمن است
ز التذاذ به کامم چو شهد در دهن است
کزین جریده بسی شاد قلب مرد و زن است
نصیب بنده از این کار غصه و محن است
ز سینه خون دلم صبح و شام در لگن است
به بس بهانه مرا رنجه سخت جان و تن است
که هر چه بر قلم آرم، شکایت از فتن است
به آبروی من ار لطمه‌یی خورد، حزن است
یقین که این همه محصول وهم و شک و ظن است
کتاب دوست که نام نکوی او، حسن است
میان خلق خدا، طرفه کار ذوالمنن است
چو باب خویش مروّج به عهد خویشتن است
مگوی تذکره، در یتیمی از عدن است
شفای چشم مرا، خطّ دوست، پیرهن است
اویس عهدم و **بیهق** برای من، یمن است
به حال آن‌چه ز کیفیت می‌کهن است
که سرخوش از بت معبود خویش برهن است
همیشه خادم حق است و خصم اهرمن است
سخن، گهی ز ابوالفضل و گه ز بوالحسن است
چو «سربدار» به میدان رزم، صف‌شکن است
که در نجوم و ریاضی، وحید در زمن است
به قطعه، **ابن یمین**، پهلوان پیل‌تن است
سخن ز سرّ خدا در خفا، نه در علن است
که از روایح دل‌کش چو نافه‌ی ختن است
«همه قبیله‌ی من» شمع جمع انجمن است
بین چو بحر، **غنی** پُرخروش و موج‌زن است
که هر یکی به از آن یک به شیوه‌ی سخن است
بلی، قصیده سزاوار چون تو اهل فن است

عکسی چاپ نشده از استاد شهريار

ردیف اول از چپ، نفر دوم استاد شهريار، تهران، انجمن دانشوران (به ریاست مرحوم عادل خلعتبری)



مراکز فروش حافظ و دیگر انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی

- ۱- انتشارات دایرة المعارف ایران شناسی: تقاطع فلسطین و انقلاب - ساختمان مهر - شماره ۲ - طبقه سوم
- ۲- انتشارات مولی (کتابفروشی): خیابان انقلاب - بین وصال و چهارراه فلسطین
- ۳- کتاب فروشی توس: خیابان انقلاب - اول ابوریحان
- ۴- کتاب فروشی طهوری: خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه
- ۵- کتاب فروشی خوارزمی: خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه
- ۶- کتاب فروشی بیگوند: خیابان انقلاب - تقاطع وصال
- ۷- کتاب فروشی شیوا: خیابان انقلاب - اول خیابان فخر رازی
- ۸- کتاب فروشی پکا: خیابان فلسطین - نیش کوچه ی نایی
- ۹- انتشارات بعثت: خیابان انقلاب - بعد از چهارراه فلسطین
پلاک ۱۲۲۲
- ۱۰- نشر ثالث: بلوار کریم خان زند
- ۱۱- اسرار دانش: خیابان انقلاب - خیابان دوازده فروردین
- ۱۲- دکه های فعال روزنامه فروشی سراسر کشور

تخت جمشید

✦ استاد شهريار

تخت جم! ای سرای سراینده داستان!
ای یادگار شوکت ایران باستان!
جام جهان نمایی و دستان سرای جم
آیینی گذشته و آینده ی جهان
از عهد حشمت و عظمت یاد می دهی
ای مهد داریوش کبیر عظیم شان
بس دست اقتدار که بودت در آستین
بس سر به افتخار که سودت بر آستان
وقتا که آفتاب جهان تاب معرفت
از طرف بام قصر تو می شد جهان ستان
جوشنده آب ها و خروشنده بادها
تا زنده ی تو گشت و تو پاینده هم چنان
آتش زدت سکندر و هر خشتی از تو شد
آیینی سکندر آتش به دودمان
گردون نشان معدلت از میان نبرد
ای بارگاه حشمت تو معدلت نشان